

## جمعه 25 اردیبهشت 20 جمادی الاول 15 مه



تولد « فخر المحققین » در سال 682 هجری قمری « فخر المحققین » نابغه بزرگ، فقه و محقق والامقام در سال 682 هجری قمری در شهر حله متولد شد. او تحت توجهات پدر عالمش علامه حلی پرورش یافت و در نوجوانی به اجتهاد رسید. او در ایام جوانی به اتفاق پدر سفری به ایران کرد و مجدداً به زادگاهش بازگشت. وی به لحاظ مراتب فضل و کمال، ادب، اخلاق و پرهیزکاری شهره عصر بود. در مکتب تدریس فخرالمحققین شخصیت‌های برجسته‌ای تربیت شدند که هر یک در زمان خود نزنه ستونی محکم برای اسلام و مسلمان بشمار می‌رفتند، علمای چون محمد بن مکی؛

### تولد « فخر المحققین » در سال 682 هجری قمری

« فخر المحققین » نابغه بزرگ، فقه و محقق والامقام در سال 682 هجری قمری در شهر حله متولد شد. او تحت توجهات پدر عالمش علامه حلی پرورش یافت و در نوجوانی به اجتهاد رسید. او در ایام جوانی به اتفاق پدر سفری به ایران کرد و مجدداً به زادگاهش بازگشت. وی به لحاظ مراتب فضل و کمال، ادب، اخلاق و پرهیزکاری شهره عصر بود. در مکتب تدریس فخرالمحققین شخصیت‌های برجسته‌ای تربیت شدند که هر یک در زمان خود نزنه ستونی محکم برای اسلام و مسلمان بشمار می‌رفتند، علمای چون محمد بن مکی؛ علامه محقق بدرالدین، و سید حیدر آملی. این فقه نابغه در تألیف علوم اسلامی از جمله فقه اصول تفسیر و کلام اهتمام بسیار ورزید و از کتابهای وی که همه در شمار آثار علمی شیعه محسوب می‌شوند می‌توان به شرح «مبایذ الاصول؛ شرح الاصول؛ والمسائل الحیدریه» اشاره کرد. خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت:

فخر المحققین در شب بیستم جمادی الاول سال 682 هجری قمری در شهر حله دیده به جهان گشود.

تحصیلات:

وی علوم مقدماتی و متداول عصر و سپس علوم عالی و معقول، یعنی فلسفه و کلام و منطق و فقه و اصول و حدیث و غیره را نزد پدر علامه اش فرا گرفت و پیش از آنکه به حد بلوغ برسد، در انواع آنها ورزیده شد، یعنی تقریباً از تحصیل آنها بی نیاز گردید او نیز مانند پدر نابغه اش، از نوابغ ارزنده شیعه است و در تمام کتب فقهی و علمی مورد توجه خاص دانشمندان بزرگ و مجتهدین طراز اول ما قرار گرفته است.

اساتید:

فخرالمحققین تمام رشته های علوم و فنون را در خدمت پدر علا مه اش تکمیل نمود و جز وی استادی ندیده است.

شاگردان:

شاگردان زیادی از محضر ایشان کسب فیض نموده اند که معروف ترین آنها عبارتند از:

- 1 - شهید اول .
- 2 - سید بدر الدین مدنی .
- 3 - شیخ احمد بن متوج بحرانی .
- 4 - سید حیدر آملی .
- 5 - سید تاج الدین ابن معیه .
- 6 - ظهیر الدین .
- 7 - فرزند دانشمندش .

تالیفات :

تالیفات او همه در شمار بهترین کتب علمی شیعه به شمار می آیند و اغلب شرح و حاشیه و تعلیقه کتب پدر عالیقدرش می باشد، مانند:

- 1- شرح المسترشدین.
- 2- شرح مبایذ الاصول .
- 3- شرح تهذیب الاصول .
- 4- ایضاح الفوائد فی حل مشکلات القواعد .
- 5- رساله فخریه در نیت .
- 6- حاشیه ارشاد.
- 7- الکافیة الوافیة در علم کلام .
- 8- مسائل صدریه.

گفتار بزرگان :

1- فقیه عظیم الشان، شهید اول از او این گونه یاد می کند : شیخ امام سلطان العلما و منتهی الفضلا و النبلا، خاتم المجتهدین، فخرالملة و الدین، ابوطالب محمد فرزند شیخ امام سعید جمال الدین بن مطهر که خداوند عمر گرانبهای او را دراز گرداند و از پیش آمدهای سو زمانه نگه دارد.

2 - قاضی نورالله شوشتری در کتاب (مجالس المؤمنین) می نویسد: فخرالمحققین محمد در علوم عقلی و نقلی محققى تحریر بود و در علو فهم و فطرت مدققى

بی نظیر سپس او از یکی از دانشمندان شافعی نقل می کند که وقتی با پدرش به نزد سلطان محمد خدابنده به (سلطانیه) قزوین آمد، دانشمندی جوان، عالی مقام، مستعد، نیکخوی و پسندیده خصال بود.

3. فقیه نامور، محمد بن حسن اصفهانی، معروف به (فاضل هندی) است، در آغاز کتاب (کشف اللثام) می نویسد: ممکن است بعضی از گفته وی تعجب کنند که چگونه در آن سن به این مقام رسیده است، ولی می دانیم که تولد وی در سال 682 هجری قمری روی داده و پدرش علا مه، برخی از کتب خود را در کتاب (خلاصه) که به سال 692 یا 693 هجری قمری تألیف نموده است، ذکر کرده، بنابر این با تطبیق این دو تاریخ، فخرالمحققین در آن موقع ده سال یا کمتر داشته است و سپس می نویسد: این لطف و مرحمت الهی است که به هر کس خواهد، موهبت می کند.

القاب:

فخرالمحققین، فخر الدین و فخر الاسلام، هر سه لقب فرزند دانشمند و برومند علا مه حلی می باشد نام شریفش (محمد) است. علاقه پدر به فرزند:

در میان انبوه دانشمندان که ما با زندگانی آنان آشنا هستیم، چنین پدر و فرزندی را ندیده ایم که هر دو از نواغ نامی و نسبت به هم تا این اندازه محبت و احترام و علاقه داشته باشند، علا مه در برخی از آثار خود، هر جا از فرزندش نام می برد، می گوید: خداوند مرا فدای او گرداند و از بدیها دور بدارد.

در آغاز کتاب (الالفین) می نویسد: من به خواهش فرزند عزیزم محمد که خداوند امور دنیا و آخرت او را اصلاح گرداند، چنانکه او نیز نسبت به پدر و مادرش از هر گونه احترام و خدمتگزاری مضایقت ندارد، و امیدوارم که خداوند، سعادت دو جهان را به او روزی کند چنانکه او هم در به کار بستن نیروی عقلی و حسی خود از من اطاعت نموده و با گفتار و کردار خویش موجبات خوشنودی مرا فراهم کرده است، ریاست ظاهری و معنوی را یکجا به او موهبت کند، چون که وی به اندازه يك چشم به هم زدن نا فرمانی بر من ننموده این کتاب را که موسوم به (الفین) است، املا نمودم. در این کتاب هزار دلیل یقینی و برهان عقلی و نقلی برای اثبات امامت بلافضل حضرت شاه ولایت، علی بن ابیطالب (علیه السلام) و هزار دلیل در رد شبهات مخالفین وارد ساختم و نیز ادله بسیاری در اثبات امامت سایر امامان عالی مقام به مقداری که طالبان را قانع سازد آوردم و ثواب آن را به فرزندم محمد اهدا نمودم.

خداوند او را از هر خطری نگهدارد، و هر گونه بدی و زشتی را از وی بر طرف سازد و به آرزوهایی که دارد نائل گرداند و شر دشمنانش را از او دور گرداند. وفات:

فخرالمحققین شب جمعه پانزدهم یا بیست و پنجم جمادی الثانی سال 771 هجری قمری، در سن 89 سالگی به جهان باقی شتافت. محدث قمی در فوائد الرضویه می نویسد: از سخن مجلسی اول در شرح (من لایحضره الفقیه) ظاهر می شود که آن بزرگوار در حله وفات کرده و جنازه اش را به نجف اشرف حمل کرده اند و بعید نیست که قبرش نزدیک والدش باشد.

درگذشت «ابوعبدالله محمد بن عبدري فاسي» در سال 737 هجری قمری

«ابوعبدالله محمد بن عبدري فاسي» مشهور به ابن حاج فقیه مالکی مذهب در سال 737 هجری قمری بدوید حیات گفت. او دانش اندوزی خود را در زادگاهش فاس آغاز کرد و بعد از اقامت در قاهره از علمای آن شهر کسب فیض نمود؛ و زمانیکه خود بر مسند استادی نشست شاگردان بسیاری از محضرش علم آموختند. مهمترین اثر او المدخل نام دارد و مؤلف آن در پاره‌ای از مسائل اخلاقی، فقهی، اجتماعی و اقتصادی، مناسبات اقتصادی و مالی میان مردم، هم چنین آداب غذاخوردن مراسم اعیاد و جشن ها، و چگونگی پوشش زنان را مورد بررسی قرار داده است.

لغو امتیاز تنباکو به فتوای آیت الله میرزای شیرازی در سال 1270 هجری شمسی

ناصرالدین شاه در تاریخ 12 شعبان 1306 ه.ق در سفری که از راه روسیه به انگلستان رفت. بخاطر ولخرجیهای بسیار بدهکار شد و با فریب تالیوت امتیاز انحصار توتون و تنباکوی ایران را در ازای هر سال 15000 لیر به او واگذار کرد. این کار او با مخالفت روحانیون و مردم مواجه شد و چون که به آنها توجهی نکرد آیت الله میرزای شیرازی حکم تحریم تنباکو را صادر فرمود. در روز سه شنبه 25 جمادی الثانی 1309 برابر با 6 بهمن 1270 ش. اعلامیه ای مبنی بر شکسته شدن تحریم به چاپ رسید، سرانجام پس از مذاکرات طولانی با کمپانی، امتیاز تنباکو لغو و 500 هزار لیره غرامت از طرف کمپانی تعیین شد. در بهمن ماه 1270 مطابق با 5 آوریل 1892 این مطلب به امضای ناصرالدین شاه رسید.

**چاپ مجدد روزنامه کیهان پس از 64 روز اعتصاب در سال 1358 هجری شمسی**

روزنامه کیهان در زمان رژیم پهلوی پس از 64 روز اعتصاب نخستین بار روزنامه کیهان را 25 اردیبهشت ماه سال 1358 هجری شمسی چاپ و منتشر کردند. کارکنان روزنامه کیهان پس از مدت‌ها کشمکش با اعضای هیئت تحریریه این روزنامه مانع ورود آنان به مؤسسه کیهان شدند و خود، روزنامه را چاپ و منتشر کردند؛ زیرا اعضای هیئت تحریریه کیهان برخلاف مصالح انقلاب اسلامی گام برمی داشتند. این حرکت انقلابی در تاریخ انتشار مطبوعات معاصر حرکتی بی سابقه بوده است.

آغاز عملیات شهید شیخ فضل الله نوری در آبادان در سال 1360 هجری شمسی

عملیات شهید شیخ فضل الله نوری در سال 1360 هجری شمسی در آبادان آغاز شد دلاور مردان ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران این عملیات را شروع کردند. در عملیات شهید شیخ فضل الله نوری رزمندگان اسلام تپه های شهید مؤذنی را که مکان دیده بان‌ی دشمن بود، از وجود دشمن پاک کردند. افراد زیادی از ارتش دشمن را به هلاکت رساندند.

**روز بزرگداشت فردوسی**

یکی از پراوازه ترین شاعران ایران زمین و یکی از بزرگترین حماسه سرایان جهان در قرن چهارم و پنجم هجری، حکیم ابوالقاسم فردوسی است. وی در سال 329 هجری، در روستای «باز» که یکی از قریه های طوس است، دیده به جهان گشود.

وی دوران کودکی و جوانی را در خانواده ای که همه دهقان و ایرانی پاک نژاد و صاحب آب و زمین بودند در فضایی سرسبز و آرام به تحصیل علم و ادب پرداخت. وی در این روستا شوکتی تمام داشت و گهگاه طبع خود را در سرودن تاریخ ایران قدیم آزمایش می کرد. در آن زمان هیچ کس باور نمی کرد که این سروده های پراکنده ادامه یابد و به یک اثر عظیم حماسی به نام «شاهنامه» تبدیل شود.

شاهنامه سرایی

در عهد سامانیان در قرن چهارم هجری، جمع آوری و تألیف سرگذشت پادشاهان قدیم ایران رونق به سزایی یافت. این کتاب ها که به شاهنامه معروف بودند به نثر نوشته شده بود و پیش از آن که از میان بروند، منبع و مأخذ برخی از کتاب های منثور و منظوم تاریخی در زبان فارسی و عربی قرار گرفت. جامع ترین آنها شاهنامه منثور ابومنصوری نام داشت که به فرمان «ابومنصور محمد بن عبدالرزاق» حاکم طوس، در حدود سال 346 ه.ق به دست جمعی از مورخان و نویسندگان جمع آوری و تدوین

گردید. این کتاب، مأخذ مهم فردوسی در نظم شاهنامه است.

دقیقی، اولین شاهنامه سرا

پیش از آن که فردوسی، به شاهنامه سرایی پردازد، «دقیقی» که از شاعران بزرگ و همسال فردوسی است به نظم شاهنامه روی آورده بود. وی تنها هزار بیت از داستان گشتاسب و ارجاسب تورانی را سروده بود که در سن کمتر از چهل سالگی به دست غلامش کشته شد. فردوسی علت قتل او را «خوی بد» یاد می کند و چنین می گوید:

جوانیش را خوی بد یار بود همه ساله تا بد به پیکار بود

بدان خوی بد جان شیرین بداد نبود از جهان دلش یک روز شاد

یکایک از او بخت برگشته شد به دست یکی بنده بر کشته شد

منابع شاهنامه

پس از قتل دقیقی، دوستان فردوسی که فوت طبع شاعری او را پیش از این آموخته بودند نزد وی آمده و او را به ادامه کار تشویق کردند؛ اما وی منبع و مأخذی در اختیار نداشت که بتواند از روی آن به نظم شاهنامه پردازد؛ از این رو این شاعر خستگی ناپذیر و سخت کوش برای تهیه این منابع به شهرهای بخارا، مرو، بلخ و هرات سفر کرده و با یک تحقیق میدانی و گسترده، داستان های باستان را از سینه پیران جهان دیده بیرون کشید و آن را به نسل های پیش از خود تقدیم کرد.

بیرسیدم از هر کسی بی شمار نترسیدم از گردش روزگار

و این در حالی بود که آتش جنگ همه جا شعله ور و راه ها پر خطر بود.

زمانه سرای پر از جنگ بود به جویندگان بر جهان تنگ بود.

نگرانی فردوسی

بزرگ ترین لذت بزرگان علم و ادب زمانی است که بتوانند نتیجه تلاشهای علمی و ادبی خود را ببینند و آثار بزرگ و ارزشمند از خود به یادگار گذارند. همچنین بزرگ ترین نگرانی آنان هنگامی است که موانع و مشکلاتی خواسته یا ناخواسته در این راه پیش آید و نتوانند کار بزرگی را که آغاز کرده اند به پایان برند. فردوسی نیز چنین بود. او همیشه این نگرانی و دغدغه خاطر را داشت که مبادا او هم همانند دقیقی که چهل سالگی از دنیا رفت با مرگی نا به هنگام رویه رو شود و نتواند کار بزرگی را که با عشق و علاقه آغاز کرده به فرجام رساند؛ از این رو از خداوند می خواست که آن قدر زنده بماند که بتواند شاهنامه را که خود آن را «نامه شهر یاران پیش» نامیده بود به نظم درآورد.

همی خواهم از دادگر یک خدای که چندان بمانم به گیتی به جای

که این نامه شهر یاران پیش ببیوندم از خوب گفتار خویش

دعای او مستجاب شد و در سن 71 سالگی، شاهنامه را به پایان رساند و در سن 82 سالگی نیز جهان فانی را وداع گفت.

حامی قدرشناس

اگر چه فردوسی در خانواده ای به دنیا آمد که به قول نظامی عروضی صاحب آب و زمین بودند و او بدین سبب از امثال خود بی نیاز بود؛ اما هر چه داشت همه را در راه تدوین شاهنامه خرج کرد و خود گرفتار فقر و تهیدستی گردید. در این زمان یکی از امرای قدرشناس طوس او را از نگرانی معاش و اندوه فقر رهایی بخشید و تحت حمایت خود قرار داد؛ اما دیری نپایید که این حامی قدرشناس به وضع نامعلومی ناپدید شد. بعد از آن بود که دیگر فردوسی روی آسایش ندید و فقر، سایه سیاه و سنگین خود را تا پایان عمر بر سر راه او انداخت.

الا ای برآورده چرخ بلند چه داری به پیری مرا مستمند

چو بودم جوان برترم داشتی به پیری مرا خوار بگذاشتی

رنج سی ساله

«هرچه زودتر برآید؛ دیر نپاید».

این سخن از سعدی شیرازی است یعنی چیزی که با شتاب انجام یابد ماندگار نمی ماند. بعضی از شاعران و نویسندگان که بی تأمل و اندیشه، سخن می سر آیند و به قدری آثارشان بی پایه و بی مایه است که به قول نظامی عروضی «پیش از خداوند خود بمیرد» اما فردوسی این شاعر توانمند ایران، از کسانی بود که عشق و تلاش را به هم آمیخت و با فقر و تنگدستی در آویخت و سی سال رنج برد و دود چراغ خورد تا توانست اثری پایدار و ماندگار از خود به یادگار گذارد.

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

نمیرم از این پس که من زنده ام که تخم سخن را پراکنده ام

فردوسی در سن کهولت نیز خود را بازنشسته نپنداشت و هستی خود را در این راه گذاشت و تا دستانش توان نوشتن داشت قلم را کنار نهاد و حاصل رنج سی ساله خود را در سال 400 هجری و در سن 71 سالگی به جامعه ادبی و هنری ایران زمین تقدیم کرد تا در سن 82 سالگی نیز به پیرایش و آرایش آن پرداخت.

دربار سلطان محمود

فردوسی پس از تکمیل شاهنامه و بازنگری در آن، تصمیم گرفت آن را به سلطان محمود غزنوی تقدیم کند، تا با پاداشی که از این راه می ستاند هم خود را از فقر و تهدیدستی برهاند و هم کتاب را از گزند حوادث مصون دارد. وی بدین منظور از طوس به غزنین آمد، و به دربار محمود بار یافت، اما بر خلاف انتظار، مورد بی مهری سلطان قرار گرفت. فردوسی خشم آلود از کاخ بیرون شتافت و به گرمابه رفت و همه درهم هایی را که دریافت کرده بود بین کارکنان حمام تقسیم کرد و شبانه به هرات گریخت. فردوسی مدت ها به هجو سلطان محمود پرداخت و در مذمت او شعر سرود.

علت بی توجهی سلطان محمود به فردوسی

درباره این که چرا سلطان محمود به فردوسی بی اعتنایی کرد گفته اند: فردوسی از پیروان اهل بیت بود و سلطان محمود را با شیعیان میانه ای نبود. نظامی عروضی می گوید: سلطان محمود مردی متعصب بود و اطرافیان وی که با فردوسی دشمن می داشتند به سلطان گفتند که او مردی رافضی (شیعه) است و این بیت ها را دلیل رفض (و شیعه بودن) اوست.

خردمند گیتی چو دریا نهاد برانگیخته موج از او تندباد

چو هفتاد کشتی در و ساخته همه بادبان ها برافراخته

میانه یکی خوب کشتی عروس برآراسته همچو چشم خروس  
پیغمبر بدو اندرون با علی همه اهل بیت نبی و وصی  
اگر خلد خواهی به دیگر سرای به نزد نبی و وصی گیر جای  
گرت زین بد آید گناه من است؟ چنین دان و این راه، راه من است  
بر این زادم و هم بر این بگذرم یقین دان که خاک پی حیدرم  
حب علی(ع)

فردوسی، ازدوستان خاندان اهل بیت عصمت و طهارت و شیفته مقام حضرت علی (ع) بوده است. این معنا در اشعار بسیاری از فردوسی تجلی یافته است.

مرا غمز کردند کان بد سخن به مهر نبی و علی شد کهن  
هر آن کس که در دلش بغض علی است از او خوارتر درجهان گو که کیست  
منم بنده هر دو تا رستخیز اگر شه کند پیکرم ریز ریز  
من از مهر این هر دو شه نگذرم اگر تیغ شه بگذرد از سرم  
من بنده اهل بیت نبی ستاینده خاک پای وصی  
نترسم که دارم ز روشن دلی به دل مهر جان نبی و علی  
چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی خداوند امر و خداوند نهی  
که من شهر علمم و علی ام در است درست این سخن گفت پیغمبر است  
فردوسی، شاعری آزاده

یکی از دلایلی که فردوسی مورد بی مهری سلطان محمود قرار گرفت این بود که او شاعر درباری نبود. سلطان محمود انتظار داشت که او هم مانند دیگر شاعران، جیره خوار درگاه او باشد و جز به ستایش او به کار دیگری نپردازد. او انتظار داشت که فردوسی هم همانند فرخی، عنصری و عسجدی در مدح او قصیده ها بسراید و زندگانی او را به نظم درآورد، اما فردوسی نه تنها شاعر مدیحه سرای مزدبگیر نبود بلکه به عکس گاه بیت هایی گفته بود که به سلطان محمود کنایه می زد. از جمله از زبان «رستم فرخزاد» قرن او را که قرن چهارم هجری است این گونه پیش بینی کرده بود:

بداندیش گردد پدر بر پسر پسر بر پدر همچین چاره گر  
بر این سالیان چارصد بگذرد کزین تخمه گیتی کسی نسپرد  
شود بنده بی هنر شهریار نژاد و بزرگی نباید به کار  
زیان کسان از پی سود خویش بچویند و دین اندر آرند پیش  
بریزند خون از پی خواسته شود روزگار مهان کاسته  
وفات فردوسی

سلطان محمود غزنوی، ابتدا فردوسی را مورد بی مهری قرار داد و دل او را رنجاند، اما سال ها بعد درصدد برآمد از این شاعر دل شکسته دل جویی کند؛ از این رو هدایایی فراهم کرد و گفت: با شتر سلطانی به طوس برند و از او عذر خواهند؛ اما اقبال با این شاعر همراه نبود. نظامی عروضی گوید: هدایای سلطان به سلامت به شهر «طبران» رسید، وقتی شتر از دروازه «رودبار» وارد می شد، جنازه فردوسی از دروازه «زران» بیرون می رفت. گویند از فردوسی دختری ماند سخت بزرگوار، خواستند هدایای سلطان را بدو سپارند، قبول نکرد و گفت بدان محتاج نیستم. فردوسی پس از 82 سال زندگی شرافتمندانه و افتخار آمیز در سال 411ه. ق غریبانه وفات یافت و دخترش عزت و بلند طبعی او را کامل کرد و این چنان مقتدرانه از هدایای مادی سلطانی چشم پوشید و افتخاری بر افتخارات پدر افزود.  
کاخ بلند فردوسی

وقتی خبر مرگ فردوسی و رد هدایای او توسط دخترش به گوش سلطان محمود غزنوی رسید، دستور داد تا با آن هدایا کاروان سرا و آب انباری در بین راه نیشابور و مرو بنا کند. امروز پس از گذشت هزار سال که از مرگ فردوسی می گذرد نه از کاروان سرا اثری است و نه از «سلطان سرا»؛ نه از کاخ نشانی است و نه از کاخ نشین؛ اما کاخی که فردوسی بنا کرد نه تنها با گذشت روزگاران ویران نگردید بلکه بر آبادی و استحکام آن افزوده گشت.

صلاح کار کجا و من خراب کجا بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا  
فردوسی خود در شاهنامه آورده است:

بناهای آباد گردد خراب ز باران و از تابش آفتاب  
پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نباید گزند  
بر این نامه بر سال ها بگذرد بخواند همی هر که دارد خرد  
نمیرم از این پس که من زنده ام که تخم سخن را پراکنده ام  
شاهنامه و سخنان امام حسین (ع)

از داستان های بسیار آموزنده و خواندنی شاهنامه، داستان رستم و اسفندیار است. قسمت هایی از این داستان، یادآور سخنان سرور آزادگان و سالار شهیدان حسین بن علی (ع) است. از آن جمله، آن جا که رستم می گوید:

مگر بند، کز بند عاری بود شکستی بود زشت کاری بود  
اشاره به این شعر امام حسین در روز عاشورا دارد که:

القتل اولی من رکوب العاری: کشته شدن بهتر از ننگ تسلیم است.

رستم: مرا کشتن آسان تر آید ز ننگ

امام حسین (ع): مرگ در راه رسیدن به عزت و احیای حق چه آسان است.

رستم: و گر باز مانم به جایی ز جنگ

امام حسین (ع) خطاب به برادرش محمد حنفیه می فرماید: ای برادر، به خدا قسم، اگر در زمین پناهگاه و چاره ای نداشته باشم، با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد.

فردوسی از زبان قهرمانان و پهلوانان شاهنامه به همه آزاد مردان و ستم ستیزان جهان می آموزد که در برابر بیگانگان سر تسلیم و تعظیم فرود نیاورند و مرگ با عزت بر زندگی با ذلت ترجیح دهند و این همان مضمون سخنان سید و سالار شهیدان امام حسین (ع) در کربلاست.

مرگ خوش تر از آن زندگی که سالار باشم کنم بندگی

بزرگی که انجام آن تیرگی است بر آن مهتری بر بیاید گریست

به نام نکو گر بمیرم رواست مرا نام باید که تن، مرگ راست

امام حسین (ع): موت فی عز، خیر من حیاه فی ذل؛ مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.

چنین گفت کامروز مردن به نام به از زنده، دشمن بدو شادکام

امام حسین (ع): مرگ در راه عزت، جز زندگانی جاوید نیست و زندگانی با ذلت جز مرگی که از زندگی تهی است، نخواهد بود.

مرا مرگ خوش تر به نام بلند از این زیستن با هراس و گزند

امام حسین (ع): من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستم کاران را جز خواری نمی بینم.

### اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیسم جهانی در سال 1948 میلادی

در 16 ماه می 1948 میلادی مصادف با 25 اردیبهشت 1327، رژیم صهیونیستی پس از خروج نیروهای انگلیسی از این کشور و اشغال کامل سرزمین مردم مسلمان و مظلوم فلسطین موجودیت خود را به جهان اعلام کرد. سالها قبل در سال 1917 میلادی بیانیه ای منتشر شد که بر اساس این اعلامیه اولین دولت صهیونیستی در فلسطین اشغالی تشکیل شد. نام این اعلامیه بالفور بود که بر اساس مندرجات آن تمامی اراضی مردم مظلوم و بی گناه فلسطین بدست یهودیان افتاد و در واقع شروعی برای اعلام هویت رژیم صهیونیستی و ستم رفتن بر مردم مسلمان فلسطین بود.

انگلستان از سال 1839 بطور رسمی از یهودیان ساکن در فلسطین، سوریه و شبه جزیره سینا حمایت کرد و این حمایت را در سالهای بعد افزایش داد و در روند مهاجرت یهودیان به این سرزمین تلاش نمود. انگلستان در راه تثبیت اقتدار خود در فلسطین همت فراوانی میزود نمود ولی وقتی جامعه عرب را در برابر خود دید، از این خواسته خود چشم پوشید.

در همین اساس و در آستانه اشغال فلسطین توسط ژنرال آلبنی، جیمز بالفور وزیر امور خارجه وقت انگلیس طی نامه ای به لیونل والتر دورچیلد، قول همکاری تمام عیاری را در جهت تاسیس یک رژیم صهیونیستی در فلسطین به وی داد. لذا در زمانی که آلبنی به سوی فلسطین می شتافت، بالفور نیز جدی ترین گام را در زمینه تشکیل یک رژیم صهیونیستی در فلسطین برداشت. در همین زمان صهیونیست ها از نامه بالفور و پیشروی ژنرال آلبنی به عنوان استجابت دیرینه دعای قوم یهود یاد کردند. طی مدت سی سال و در حالی که مسلمان ها در اختلاف و چند دستگی به سر می بردند، بریتانیا زمینه را برای تشکیل رژیم صهیونیستی فراهم کرد. هجوم صهیونیست ها از سراسر جهان به فلسطین، تشکیل گروه های نظامی صهیونیستی، در اختیار قرار دادن امکانات مالی و اقتصادی، تقویت وجهه صهیونیست ها در جهان از طریق رسانه های بین المللی و سرکوب مسلمانان فلسطین از جمله مهمترین اقدامات استعمار در جهت تشکیل رژیم صهیونیستی بود. سرانجام پس از آمده شدن موقعیت، انگلستان بر قیمومت و اشغال خود در فلسطین پایان داد و از آن جا خارج شد. پس از این واقعه، رژیم اشغالگر قدس موجودیت خود را اعلام شد و نخستین جنگ اعراب و این رژیم که منجر به پیروزی صهیونیست ها شد، در گرفت.

سرانجام همزمان با خروج کمیسر عالی انگلیس از فلسطین، یهودیان ساکن در آن سرزمین به رهبری دیوید بن گورین رسماً موجودیت خود را به نام اسرائیل اعلام کردند. چند ساعت بعد، آمریکا و شوروی نیز این رژیم را به رسمیت شناختند. به دنبال این مساله، غروب همان روز چهار کشور عربی مصر، سوریه، اردن و لبنان به دولت نوظهور اسرائیل اعلان جنگ دادند و این اولین جنگ خونین اعراب و اسرائیل بود. در اعلامیه تشکیل اسرائیل، فلسطینی ها که مالک 97 درصد از اراضی این کشور بودند با قید عبارت " جوامع موجود غیر یهود " نادیده گرفته شدند. این اعلامیه با باعث سرازیر شدن غیر قانونی یهودیان سراسر جهان به فلسطین شد و این امر مورد حمایت دولت آمریکا قرار گرفت. از آن زمان تاکنون تجاوز و غارتگری های این رژیم غاصب بر ملت ستمدیده فلسطین ادامه دارد و مردم فلسطین راه نجات خود را مقابله و مقاومت یافته اند.

### روز جهانی خانواده

مجمع جهانی سازمان ملل بر اساس قطعنامه شماره 237/47 که در تاریخ 20 سپتامبر 1993 به تصویب رسیده است، پانزدهم ماه می را که مصادف با 24 اردیبهشت می باشد بنام روز جهانی خانواده اعلام کرده است. همه ساله چنین روزی به عنوان روز جهانی خانواده در کشورهای مختلف گرامی داشته می شود.

در کشور ما نیز با همین هدف و به منظور تحقق اصل دهم قانون اساسی و در راستای اهداف توسعه ای، سیاست گذاری و هماهنگی دستگاههای ذیربط و نظارت بر تصمیمات خانواده، طرح تشکیل شورای عالی خانواده به ریاست رئیس جمهور یا معاون آن، از تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی گذشت. این شورا متشکل از 20 عضو و اعضای آن عبارتند از: رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر بهداشت و درمان، وزیر آموزش و پرورش، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر کشور، وزیر کار و امور اجتماعی، روسای سازمان های تربیت بدنی، بهزیستی، صدا و سیما، مشاور رئیس جمهور در امور جوانان، رئیس مرکز مشارکت زنان، دو نفر از قوه قضاییه، دو نفر از نهادهای غیردولتی و سه نفر از اعضای کمیسیون های فرهنگی، اجتماعی و حقوقی قضایی مجلس شورای اسلامی خواهند بود. همچنین آیین نامه اجرایی این شورا، توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی و دستگاههای ذیربط طرف مدت شش ماه به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

شعار جهانی سال 2005 برای این روز " ایذ و بهداشت خانواده میباشد". ایذ بیماری است که امروزه اکثر خانواده ها را در معرض تهدید قرار داده است. خانواده هایی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند و در زیر خط فقر قرار دارند بیشتر از جوامع دیگر با این خطر روبرو هستند. امروز فرصتی است که به این امر مهم توجه شود و بالا بردن آگاهی مردم برای مقابله با این بیماری و جلوگیری از شیوع آن در خانواده ها از جمله مواردی است که دولتها و سازمانهای جهانی برای ریشه کن کردن آنها باید گام برداشته و اقدام نمایند.

خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنان خانواده را تکمیل می کند. تعریف دیگری، خانواده را شامل مجموعه ای از افراد می داند که با هدف و منافع مشترکی زیر سقفی گرد هم می آیند. اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می دهند و نکاح عقدی است که براساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می شود و در آن طرفین دارای وظایف و حقوق جدید میشوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می آید و اعضای آن روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی دارند.

اساس تشکیل آن این است که زن و مردی می کوشند ارائه خود را بر تأسیس آن و قبول تکالیفی که شرع برای آنها معین کرده است، محقق سازند. بر این اساس خانواده یک تأسیس حقوقی به حساب خواهد آمد که اعضای آن با رشته خونی با هم پیوند پیدا می کنند. جامعه شناسان خانواده را یک پدیده تاریخی می دانند که از اجتماع کلی جدا نیست. واحدی است اجتماعی که در عین حال خصایص یک نهاد و یک گروه را واجد است.

وظایف و کارکرد آن:

خانواده عهده دار وظایف مهم و فوق العاده ای است که اهم آن عبارتند از:

- ایفای نسل

- پرورش نسل و مراقبت از آن به سبب حفظش از خطرات گوناگون

- صمیمیت و نزدیکی تنگاتنگ با اعضا و همزنگی و همدلی و تعاون

- تکمیل و تکامل و ایجاد زمینه امن و آسایش در خانواده به گونه ای که امکان عبادت خدا و موجبات رشد از هر حیث فراهم شود.

نقش و اهمیت خانواده:

خانواده تنها نظام اجتماعی است که در همه جوامع، از مذهبی و غیر مذهبی پذیرفته شده و در جوامع گوناگون دارای نقش، پایگاه و منزلت‌های گوناگون است، با اینکه خانواده هسته ای کوچک از اجتماع است، در حیات اجتماعی مردم نقش و تأثیری فراوان دارد. خانواده هسته اول همه سازمانها و نهادهای اجتماعی است همه نقش های مربوط به ایجاد تمدن و انتقال موارث و رشد و شکوفایی انسانیت به آن مربوط می شود و نیز همه سنت ها، عقاید و آداب ویزگی های فردی و اجتماعی از طریق خانواده به نسل جدید انتقال می یابد.

جامعه متشکل از خانواده هاست، مختصات آن از طریق روابط خانوادگی قابل توصیف است. اثر وجودی مفید و یا زیانبخش آن، به جامعه هم می رسد. ساخت و مشی آن در سکون یا اضطراب جامعه مؤثر است. انگیزه اعضایش در انگیزه های اجتماع تأثیر می گذارد. چگونگی مشی و سبک زندگی آن در اخلاق جامعه و در صحت یا بیماری آن نقشی مؤثر دارد.